



مرتضی کاویانی فر  
کارشناس رشته فقه و حقوق

# کودک آزاری

برای نظارت بر تربیت صحیح کودکان بسیار مهم است، به این ترتیب که مددکاران و مشاوران مذکور به مدارس مراجعه کرده و در زمان بندی های مشخص و منظم با کودکان محصل در مدارس مشاوره کرده و از مشکلات و معضلات آنها اطلاع یابند به نحوی که اگر متوجه شدند خانوادگی نسبت به تربیت کودکان و تامین نیازهای اولیه و ضروری او بی اعتنا و سهل انگار است، شناسایی شده و برای اقدامات مقتضی قانونی معرفی شوند.

تاسیس مراکز نگهداری از کودکانی که والدین آنها صلاحیت حضانت و تربیت و نگهداری از فرزندشان را ندارند نیز بسیار مهم می نماید. با اقدامات مناسب کودک به طور موقت در مراکز پرورشی مناسب نگهداری می شوند تا والدین خاطی متنبه شده و صلاحیت آنها برای نگهداری مجدد کودک تایید شود البته ناگفته نماند که به علت علقه ای که بین کودک و والدینش ایجاد شده جدا کردن او از خانواده شاید کاری دشوار باشد لذا این اقدام می بایست کاملا حساب شده صورت پذیرد تا مبادا این کار سلامت روانی کودک را در درون چندان به مخاطره بیندازد.

فقر و مشکلات اقتصادی ریشه اکثر معضلات در جامعه می باشد. غالب والدین به دلیل فشارهای مالی، رفتارهای ناشایستی چون پرخاشگری، خشونت، بی توجهی و... از خود بروز می دهند که موجب آزار کودک می گردد لذا این وظیفه دولت است که اولاً زیرساخت های اقتصادی را برای رفع معضل اقتصادی اصلاح نماید که این یک برنامه بلندمدت محسوب می شود ثانیاً سازمانی تشکیل شود به عنوان «سازمان حمایت از نیازهای مادی و معنوی کودکان» و بودجه ای مناسب در اختیار، سازمان مذکور قرار داده شود تا کودکان مستحق تحت حمایت ویژه قرار بگیرند.

آموزش لازم به کودکان توسط والدین و معلمان مدارس در باره نحوه برخورد و تعامل و ارتباط با افراد بیگانه در محیط خارج از مدرسه و خانه بسیار ضروری است، بدین توضیح که بسیاری از کودکان که مورد آزار و اذیت جنسی قرار می گیرند به علت عدم آموزش و آگاهی صحیح شان در جهت کیفیت برقراری و ارتباط با دیگران و افراد غریبه می باشد. کودکان می بایست آموزش ببینند که به هر کسی اعتماد نکرده و ارتباط نزدیک غیررسمی بدون اطلاع از خانواده هایشان با افراد بیگانه اعم از بزرگسال و غیره برقرار نکنند.

در مواردی که والدین اقدام به متارکه و طلاق می کنند، فرزندان آنها دچار آسیب های شدید روحی و روانی و عاطفی می شوند و این آسیب ها زمانی به اوج خود می رسد که پدر و مادری که وظیفه حضانت و نگهداری از فرزند طلاق را دارد، وظایف مربوطه را به نحو احسن و درست انجام ندهد، لذا دادگاه های خانواده می بایست بعد از اینکه حکم طلاق را صادر می کنند بلافاصله گزارشی به سازمان بهزیستی و یا ارگان مربوطه که متولی نظارت بر کودکان می باشند ارائه کرده

محبت کردن واقعی و صحیح به کودک، بالا بردن اعتماد به نفس کودک، برخورد صحیح با ناهنجاری های کودک، برخورد صحیح با خواست های ناهنجار کودک و پاسخ صحیح به سوالات و کنجکاوئی های او، شناسایی استعداد های نهفته فرزند و به فعلیت رساندن آن، ارزش گذاری و احترام به علایق کودک (البته متناسب با رده ی سنی آنها) و همچنین رفتار و گفتار و کردار درست و سازنده در مقابل رفتار، گفتار و کردار نادرست کودکان، را به خانواده ها آموزش داد.

در غیر این صورت کودک، شخصیتی آسیب پذیر در جامعه خواهد داشت که یکی از تبعات منفی آن آزار رساندن به کودک در جامعه از جانب افراد بیگانه و خارج از محیط خانواده می شود و تجربه ثابت کرده افرادی که از لحاظ شخصیتی، متزلزل و ناپایدار و سست می باشند بیش از دیگران در معرض انواع خطرات و آسیب های رایج در جامعه می باشند.

به علاوه استفاده از نقطه نظر کارشناسان و روانشناسان و تعالیم متعالی مذهبی و دینی که حضور فرزند در محفل خانواده موجب نشاط خانواده در حال و آینده می باشد نیز بسیار مهم است. اینکه والدین تصور نکنند که فرزند موجودی است ناخوانده که برای آنها هزینه تراشی می کند و از همه مهم تر اینکه فرزند امانتی است ارزشمند و گرانبها که برای امانتداری آن اصول و ضوابط و مقررات و رفتار و کردار و گفتار مخصوص خود را می طلبد. البته می بایست برای این عقیده ضمانت اجرایی موثر نیز وجود داشته باشد لذا به اعتقاد بنده دولت و حکومت می بایست خود را در قبال این امانت مسئول بدارند و راهکارهای نظارتی پیش بینی کند به عبارتی ضمانت اجرایی این جریان می بایست دستگاه های قضایی دولتی باشند به نحوی که اگر خانواده ها از چارچوب مقررات امانت داری در مورد فرزندانشان عدول کردند دستگاه قضایی با اعمال مجازات مقتضی جلودار آنها باشد، لذا اگر این نظریه و عقیده در جامعه نهادینه شود دیگر خانواده ها این اجازه را به خود نمی دهند که رفتار کودک آزارانه داشته باشند.

آموزش های کافی به خانواده ها در تنظیم و کنترل جمعیت افراد خانواده نیز از راهکارهای پیشگیرانه محسوب می گردد، چرا که با افزایش جمعیت خانواده والدین نمی توانند به نحو صحیح و کامل نیازهای مادی و معنوی فرزندان را برآورده کنند.

مشکلات خانواده مابین پدر و مادر نیز موجب آزار کودک می گردد لذا با آموزش همه جانبه از طریق ابزارهای مقتضی که پیش از این ذکر آن آمد می بایست به والدین فهماند که در حضور کودک مشکلات و معضلات خود را مطرح نکنند، و تمام سعی شان را به کار ببرند تا کودکان شاهد نزاع آنها در خانواده نباشند.

تشکیل سازمان ها و ارگان های نظارتی و تربیتی از جانب دولت همراه با جذب نیروهای مددکار متخصص و متعهد در امور روانشناسی، پرورشی و جامعه شناسی کودک،

کودک آزاری عبارت است از هر گونه فعل یا ترک فعل از سوی سایر افراد به ویژه بزرگسالان اعم از والدین و غیر والدین که باعث آزار روحی و جسمی و ایجاد آثار ماندگار در وجود یک طفل شود. برخی از این آثار می تواند مخفی باشد مانند: ممانعت از حاضر شدن در کلاس، محروم کردن او از غذا، حبس در حمام یا زیرزمین، تحقیر او در میان همسین و سالن، عدم توجه به نیازها و خواسته های ضروری و اولیه و... که همگی اینها اشکال مخفی کودک آزاری است.

کودک آزاری مربوط به طبقه خاصی نیست به طوری که فقر فرهنگی همانند فقر اقتصادی نیز می تواند از دلایل کودک آزاری محسوب شود و به همین دلیل کودک آزاری در قشر افراد تحصیل کرده که از وضعیت اقتصادی خوبی هم برخوردار هستند دیده می شود.

انواع کودک آزاری  
الف- کودک آزاری جسمی: عبارت است از رفتارهایی که به جسم کودک صدمه می زند مانند: کتک زدن، سوزاندن، مجروح کردن، شکستن و کبود کردن و... همچنین عدم تامین نیازهای مادی از قبیل خوراک، پوشاک و بهداشت سرپناه و... نیز می تواند در این تقسیم بندی قرار بگیرد.

ب- کودک آزاری روانی: شامل رفتارهایی است که به سلامت روانی کودک آسیب می زند مانند تبعیض قابل شدن در میان دوستان و آشنایان کودک، توهین کردن، تحقیر کردن، ترساندن و بی توجهی و غفلت از مواردی مانند محبت ورزی در حدی که به سلامت روانی آنان آسیب رساند.

ج: سوءاستفاده و کودک آزاری جنسی: عبارت است از استفاده از کودکان در زمینه های مواد مخدر و اجبار آنها به کارهای دشوار، سوء استفاده های جنسی به صورت مختلف.

راهکارهای پیشگیرانه از کودک آزاری  
یکی از دلایل کودک آزاری عدم اطلاع و دانش خانواده نسبت به نوع و کیفیت صحیح تنبیه کودک می باشد به طوری که والدین در بیشتر مواقع به تصور اینکه کودک خود را برای تربیت بهتر می بایست تنبیه کنند، دست به اقدامات بسیار خطرناک می زنند که موجب آسیب های فیزیکی و روحی به کودکان می شود لذا در این مورد شکنجه در جایگاه تنبیه قرار می گیرد. برای جلوگیری از این معضل می بایست اقدامات آموزشی و تربیتی مبسوط و منسجم و سازمان یافته ای از جانب ارگان های دولتی و خصوصی صورت بپذیرد.

عدم اطلاع و آگاهی و دانش کافی خانواده ها به حقوق اصلی کودک و عدم شناخت صحیح آنها درباره نیازهای اصلی و اولیه و ضروری کودک نیز از عوامل مهمی است که منجر به کودک آزاری می شود.

باید از هر وسیله ای اعم از آموزش در دانشگاه ها، مراکز بهزیستی، مراکز آموزشی خصوصی و غیرخصوصی توسط ابزاری مانند فیلم ها و سی دی های آموزشی، کتب، مجله، روزنامه و... تعلیم صحیح پرورشی و تربیتی را که شامل

و کودک مذکور را به آنجا معرفی نماید تا اقدامات مقتضی صورت پذیرد.

یکی از شایع‌ترین موارد کودک‌آزاری، کودک‌آزاری جنسی می‌باشد که این خود ریشه در دلایل و عوامل بسیاری دارد. معیناً مصداق بارز این عمل، آزار جنسی کودک از جانب یک شخص ذکور بزرگسال است که در فقه اسلام به آن لواط اطلاق می‌شود که مجازات شدیدی بر مرتکبین آن اعمال می‌گردد. نظارت و کنترل مجرمانی که پس از ارتکاب عمل کودک‌آزاری و تحمل مجازات آن، آزاد شده و دوباره به جامعه بازمی‌گردند، لازم به نظر می‌رسد. البته ناگفته نماند که غالب این افرادی که عمل کودک‌آزاری را انجام می‌دهند بیمار روانی هستند.

تسهیل و تسریع در امر ازدواج افراد جامعه نیز بسیار مهم است چرا که علت عمده آزارهای کودکان در قابل مسایل جنسی ناشی از ارضا ناصحیح غرایز شهوانی در افراد است.

دقت در ازدواج و تشکیل خانواده و خودداری از ازدواج‌های تحمیلی، ناشناخته، شتابزده و همچنین خودداری از ازدواج در سنین پایین می‌تواند از عوامل پیشگیری در فرآیند کودک‌آزاری شود. زیرا تجربه ثابت کرده والدین به فرزندانی که حاصل ازدواج‌های فوق‌الذکر می‌باشند روی خوش نشان نمی‌دهند.

بیماری‌های روانی در والدین باعث رفتارهایی مانند تندخویی، خشونت ناسازگاری، بی‌توجهی و... می‌گردد که موجب آزار کودکان می‌شود، لذا اقدامات مقتضی اعم از تأسیس مراکز درمانی و آموزشی و مشاوره به نحو رایگان در جهت درمان والدین مذکور می‌تواند در مهار کودک‌آزاری تأثیری بسزایی داشته باشد.

بسیاری از جامعه‌شناسان و حقوق‌دانان «نقص قوانین» را مهم‌ترین عامل می‌دانند که باعث افزایش و عدم مهار کودک‌آزاری می‌شود.

باید قوانینی که زمینه را فراهم می‌کند که افرادی با نیت ناشایست از آنها برای توجیه کودک‌آزاری خود استفاده کنند اصلاح و یا نسخ شود به عنوان مثال در قوانین جزایی به صراحت عنوان شده است که اقدامات والدین و سرپرستان که موجب تادیب کودکان شود مشروط بر اینکه در حد متعارف باشد جرم تلقی نمی‌گردد، در حالی که این حد متعارف مشخص نشده است. لذا این گونه قوانین می‌بایست اصلاح شود تا هیچ پنهانی دست اشخاصی که تنبیه کودک را حق طبیعی خود می‌دانند قرار نگیرد.

به علاوه می‌بایست قوانین جزایی شدید برای افرادی که مرتکب کودک‌آزاری می‌شوند تصویب و اعمال شود. تصویب قانونی مبنی بر اینکه اگر پدر و مادری موجب آزار و اذیت کودک خود شده‌اند و یا اینکه ثابت شود که صلاحیت تربیت و حضانت کودک را ندارند، اجازه بچه‌دار شدن مجدد به آنها داده نشود به طوری که اگر اقدام به بچه‌دار شدن بکنند جریمه سختی از جانب دستگاه‌های قضایی متحمل شده و کودک به دنیا آمده تحت قیمومیت حکومت قرار بگیرد.

تصویب قوانین شکلی کارآمد و موثر در امور در مورد جرایم مربوط به کودک‌آزاری، بدین توضیح که قوانین شکلی جزایی می‌بایست تأثیری بسزا در مهار امر کودک‌آزاری داشته باشند به عنوان نمونه تصویب قوانینی از قبیل:

- الف- تأسیس دادگاه‌های خاص برای رسیدگی به جرایم کودک‌آزاری
- ب- رسیدگی کردن به پرونده‌های کودک‌آزاری خارج از نوبت و در اسرع وقت
- ج- در نظر گرفتن تدابیر سخت بر متهمین کودک‌آزار

به عنوان مثال: شخصی که متهم به کودک‌آزاری است نتواند با قید وثیقه یا هر چیز دیگری به طور موقت آزاد بشود و یا اینکه تخفیف و تعلیق و تبدیل مجازات قابل اعمال بر او نباشد.

د- حضور یک روانشناس در حین رسیدگی در کنار قضایی مربوطه که می‌تواند در شناخت ریشه‌های کودک‌آزاری و رفع و مهار آن موثر باشد.

ه- در اختیار گذاشتن وکلای خیره از جانب دستگاه‌های قضایی و کانون‌های وکلا و ارگان‌های مربوط به نحو رایگان برای کودکانی که مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند حتی با وجود ولی قهری برای کودک مذکور.

عدم اجرای صحیح قوانین یکی از زمینه‌های ایجاد تخلف و جرم در جامعه می‌باشد لذا تصویب قوانین مقتضی و مناسب برای جلوگیری از امر کودک‌آزاری بدون ضمانت اجرای صحیح و عدم اجرای به موقع و مستمر آن بی‌اثر و ناقص خواهد بود. به همین دلیل حکومت وقت می‌بایست با دستورالعمل‌های امرانه مقتضی، تمام ارگان‌ها و دستگاه‌های مربوطه اعم از قضایی و غیرقضایی را موظف به اجرای دقیق تمام قوانین مربوط به مهار کودک‌آزاری نماید و برای متخلفان آن مجازات موثری را در نظر بگیرد.

امر اعتیاد یکی از مواردی است که موجب متلاشی شدن نهاد خانواده می‌شود که قربانیان اولیه آن کودکان معصوم می‌باشند از طرفی دیگر اعتیاد به دلیل خصوصیتی که در افراد ایجاد می‌کند از قبیل پرخاشگری، بی‌مسئولیتی، کاهش عاطفه و... سبب می‌شود که کودکان مورد آزار و اذیت قرار بگیرند به ویژه در بسیاری از موارد مشاهده شده که افراد معناد برای رسیدن به هدف اعتیاد خود، کودکانشان را در معرض فحشاء و کارهای اجباری قرار می‌دهند لذا همت تمام افرادی و از همه مهم‌تر دولت‌مردان در ریشه‌کنی امر اعتیاد اثر مستقیم بر از بین بردن معضل کودک‌آزاری در جامعه خواهد داشت.

ایران اسفند ماه ۱۳۷۲ پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک را پذیرفت، یکی از شرایط اساسی اجرای درست این پیمان‌نامه، آشنایی همه افراد جامعه به ویژه مقامات مربوطه، به کودکان و والدین و سرپرستان کودک می‌باشد.

براساس ماده ۳ پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک باید در هر اقدامی از سوی سرپرستان والدین مورد توجه قرار گیرد. براساس این ماده دولت‌ها نیز موظف شده‌اند در صورت کوتاهی والدین نسبت به فرزندانشان، حمایت‌ها و مراقبت‌های لازم را از آنان انجام دهند.

براساس ماده ۱۹ پیمان‌نامه کشورهای عضو برای حمایت از کودکان در برابر خشونت‌های جسمی و روانی هر گونه آزار، بی‌توجهی و سهل‌انگاری باید اقدامات قانونی، اجتماعی و آموزشی لازم را به عمل آورند.

دولت‌های امضاکننده پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک موظف شده‌اند که اقدامات لازم برای محافظت از کودکان در برابر استفاده از مواد مخدر، داروهای روانگردان و قاچاق را انجام دهند.

از سوی دیگر ماده ۲۷ این پیمان‌نامه به صراحت می‌گوید: هیچ کودکی نباید مورد شکنجه، رفتار ستمگرانه و بازداشت غیرقانونی قرار گیرد، مجازات اعدام و حبس ابد در مورد خلفکاری‌های کودکان زیر ۱۸ سال ممنوع است. بیش از یک دهه از پیوستن ایران به این پیمان‌نامه جهانی می‌گذرد، اما متأسفانه هر روز شاهد افزایش مشکلاتی چون کار اجباری کودکان، کودک‌آزاری سوء استفاده‌های جنسی و... هستیم. علت این معضل را می‌توان در عدم وجود ضمانت اجرایی کافی و قوی قوانین و پیمان‌نامه‌های بین‌المللی درباره‌ی کودک‌آزاری جستجو کرد. لذا همانطور

که قبلاً گفته شد قوانین مصوبه بدون ضمانت اجرای لازم و قدرتمند راه به جایی نخواهد برد لذا سازمان‌ها و مجامع و کنوانسیون‌های بین‌المللی ارتباط موضوع حقوق کودک و مقابله با کودک‌آزاری می‌بایست اقداماتی در جهت کاربردی کردن اهداف خود و به اجرا درآوردن قوانین مصوب انجام دهند. بدین توضیح که این سازمان‌ها و ارگان‌ها می‌بایست با ارتقای موقعیت بین‌المللی خود در سطح جهان، جایگاهی قدرتمند پیدا کرده به نحوی که اگر یکی از کشورهای عضو و یا حتی کشورهای غیرعضو در سطح جهان در امر حمایت از حقوق کودک و دفاع از آن و اقدامات مهارکننده در امر کودک‌آزاری سهل‌انگاری و کوتاهی کنند، مجازاتی اثرگذار بر دولت مربوطه در آن کشور اعمال نماید. به عنوان مثال پرداخت جریمه از ناحیه دولت مربوطه می‌تواند از مجازات‌های اعمال شده باشد و اگر چنانچه دولت مربوطه جریمه را نپردازد موجب بایکوت سیاسی کشور مذکور از ناحیه کشورهای دیگر که عضو کنوانسیون‌های حقوق بشر و یا حقوق کودک هستند بشود البته ناگفته نماند این امر، حمایت شدید و پشتوانه‌ی قوی سازمان ملل متحد و ارگان‌های مربوطه به آن مانند یونسکو، را می‌طلبد. همچنین در راهکار دیگری برای پیشگیری از کودک‌آزاری و حمایت از حقوق کودکان که جنبه بین‌المللی داشته باشد می‌توان از ارسال نمایندگان سازمان‌های مذکور به کشورهای دنیا برای نظارت و بررسی حقوق کودک در آن کشور استفاده نمود بدین توضیح که نمایندگان مربوطه با اقامت‌های نسبتاً دائمی در هر کشوری نظارتی مستمر به مساله حقوق کودک و اقدامات انجام‌شده آن کشور به وسیله دولت‌مردان درباره مقابله با کودک‌آزاری، اعمال کنند. ناگفته نماند که این امر بدون تشکیل دفتر نمایندگی و اختصاص بودجه کافی از طرف سازمان‌ها و یا کنوانسیون‌های بین‌المللی که متولی حمایت از حقوق کودکان در سطح جهان می‌باشد امکان‌پذیر نیست معیناً در صورت انجام شدن این اقدامات و ارسال نمایندگان و ناظران ویژه در ارتباط با این موضوع تدوین یک سری برنامه‌های آموزشی و تربیتی منسجم و منظم از جانب این نمایندگان در کشورهای مربوطه برای ارتقاء دانش و فرهنگ و زمینه‌های حمایت از حقوق کودک، برخورد صحیح با کودک، و تعلیم و تربیت درست کودک در خانواده، فعالیت‌های پرورشی موثر برای رشد کودک در جامعه، چگونگی مبارزه با کودک‌آزاری و... سودمند به نظر می‌رسد.

دوران کودکی، دوران رشد و شکل‌گیری شخصیت آدمی در بزرگسالی است لذا انواع کودک‌آزاری در این سال‌های حساس و مهم (به رشد و سلامت آنان آسیب‌های جدی وارد می‌کند به طوری که کودکان آزرده‌دیده در تمام جنبه‌های رشد مانند: رشد جسمی، ذهنی روانی و اجتماعی با مشکلات و نارسی‌های فراوانی روبرو خواهند شد، بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که بسیاری از کودکانی که در دوران کودکی مورد آزار و بدرفتاری قرار گرفته‌اند در بزرگسالی خود به آزار و اذیت کودکان پرداخته‌اند نمونه و مصداق بارز آن «ماجرای محمد بیچه در پاکدشت است» که این بزرگترین زبان کودک‌آزاری است که سبب تداوم آن می‌شود لذا ارائه همکاری‌های مختلف و متعدد از ناحیه اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی و حتی بین‌المللی، کارشناسان، روانشناسان، جامعه‌شناسان، حقوق‌دانان، دانشگاهیان، روحانیون و... مدون نمودن نظرات و فرضیه‌های ارایه‌شده از ناحیه افراد فوق‌الذکر به نحو منسجم و متمرکز و به کار بردن آن با ضمانت‌های اجرایی مناسب و کارآمد می‌تواند قدمی مهم در جهت مهار کردن کودک‌آزاری در سطح جوامع بشری گردد.